

زبان فارسی و کوشش‌های ایرانی

سال سوم، دوره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۵

بررسی کارکردهای گفتمانی وجه فعل در غزل پست‌مدرن

دکتر علی صفایی سنگری^۱

سمیه قربانپور دلیوند^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۶

چکیده

فعل به‌عنوان اصلی‌ترین عنصر هر پیام، نشان‌دهنده جهت‌گیری ذهنی گوینده در ایجاد پیام است. شیوه‌های گوناگون حضور، غیاب، ساختار، نمود، وجه و ... یک فعل می‌تواند در بردارنده اغراض مشخص گفتمانی در هر پاره گفتار باشد. در میان ویژگی‌های فعل در نحو زبان فارسی، زبان‌شناسی نقش‌گرا و تحلیل گفتمان انتقادی، وجه و وجهیت فعل را که مرتبط با تلقی گوینده از وقوع یا عدم وقوع فعل همراه با احتمال، شرط، آرزو، امر یا جز آن است، باید حامل معانی اصلی گفتمانی دانست. در این پژوهش با تمرکز بر برخی مجموعه‌غزل‌های پست‌مدرن، وجه فعل از بعد معنایی (وجهیت توانمندی، وجهیت درخواستی و وجهیت برداشتی) و همچنین علت‌ها و شیوه‌های گزینش هر یک از وجوه اخباری، التزامی و امری بررسی شده و سعی گردیده‌است تا ارتباط یا تعارض این وجوه، با گفتمان غالب مشخص گردد. یافته‌ها حاکی از نقش محوری وجه فعل در شفافیت اغراض گفتمانی غزل پست‌مدرن و تأثیر آن بر سایر عناصر هم‌نشین در محور کلام است و اینکه چگونه گزینش پُرسامد برخی وجوه، نظیر وجه التزامی به یکی از مختصات سبکی در غزل پست‌مدرن بدل شده‌است.

واژگان کلیدی: غزل پست‌مدرن، گفتمان، وجهیت، وجه اخباری، وجه التزامی، وجه امری

✉ safayi.ali@gmail.com

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران

۱- مقدمه

نظریه‌پردازان پسامدرن را برای توصیف موضوعات مختلف به کار برده‌اند. پسامدرنیسم به طرز تفکر و شیوه‌های بازنمایی در هنر و ادبیات مربوط می‌شود و سبکی در نگارش متون ادبی یا ژانری نو در ادبیات را مشخص می‌کند که ابتدا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰م در هنر و معماری به کار رفت و سپس از ۱۹۷۰م به بعد وارد رشته‌هایی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه و ادبیات شد. پسامدرنیسم با نفی عقلانیت عصر روشنگری و گرایش به نیهیلیسم، به معناگریزی و عدم قطعیت روی آورد. ژاک لاکان، میشل فوکو، رولان بارت، ژان فرانسوا لیوتار، ژاک دریدا، ژان بودریار و ژولیا کریستوا مشهورترین نظریه‌پردازان جنبش پست‌مدرنیسم هستند (نوذری، ۱۳۹۲: ۱۶، نیز نک. رشیدیان، ۱۳۹۳).

پست‌مدرنیسم در ایران از دهه ۱۳۷۰ش و همزمان با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفت. گرچه به عقیده برخی، این جریان برای جامعه‌ای سنتی مانند ایران، که هنوز مدرنیته را به‌طور کامل تجربه نکرده‌است، جریانی شتاب‌زده، بیگانه و غیرمعقول می‌نماید اما «کاربرد پسامدرن صرفاً معنایی تاریخی ندارد و مقصود نمایش پیدایی جریانی پس از مدرنیسم نیست. برخی آن را مکتب نیز نمی‌دانند، نوعی مباحثه است و به قول دریدا یک لحظه است البته لحظه‌ای در منطق نه در زمان» (شادخواست، ۱۳۸۴: ۵۰۳). با تمام این ملاحظات این جریان وارد ادبیات ایران شد. شعر پست‌مدرن را رضا براهنی مطرح و باباچاهی و دیگران دنبال کردند. تناقض‌نمایی، هزل به جای جد، آشنایی‌زدایی، گروتسک، خردستیزی، میل به اغتشاش، زبان محاوره و بازی‌های زبانی از مختصات کلی شعر پست‌مدرن است (شمیسا، ۱۳۹۶: ۲۶۹). تقریباً پس از یک دهه و از اوایل دهه ۸۰، جریان پست‌مدرنیسم به قالب‌های شعری کلاسیک نیز وارد شد و عده‌ای از شاعران ایرانی با الگوبرداری از نظریه‌های ادبی غربی، به خلق آثاری با ویژگی‌های هنجارگریزی، توجه به زبان و بازی‌های زبانی، خردستیزی، مسؤولیت‌زدایی از شعر، اعتقاد به بی‌نظمی و درهم شکستن ساختارهای متداول، چندصدایی (پلی فونی)، هیچ‌انگاری و معناگریزی پرداختند (طیب، ۱۳۹۴: ۲۸۸).

۲- پیشینه و روش پژوهش

در این پژوهش، ده مجموعه‌غزل پست‌مدرن پرمخاطب (چهار مجموعه از برخی شاعران و شش مجموعه از دو شاعر پیشرو غزل پست‌مدرن؛ مهدی موسوی، محمدسعید میرزایی، که در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴ چاپ شده) با روش کیفی بررسی شده‌است. ابتدا فعل‌های وجهی

غزل‌ها مشخص شد، سپس با روش کیفی علت و اهداف گفتمانی استفاده از این افعال واکاوی شد. هدف این پژوهش بررسی کارکردهای گوناگون وجه فعل در پاره‌گفتارهای گفتمان غزل پست‌مدرن است. اصطلاح گفتمان در این پژوهش، ناظر به یکی از تعاریفی است که ریچاردز و همکاران از گفتمان ارائه کرده‌اند؛ «اصطلاحی عام برای نمونه‌های کاربرد زبان در فرایند برقراری ارتباط» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۸). تخطی از هنجارهای نحوی و معنایی در ادبیات پست‌مدرن در جهت نیل به اغراض گفتمانی خاص است که به‌زعم جان بارت و امبرتو اکو، نوع متفاوتی پرداختن به مضامین پایدار و همیشگی با استفاده از اشکال سنتی به گونه‌ای کنایه‌آمیز یا شیوه‌ای دیگرگونه از مؤلفه‌های نوشتار پست‌مدرنیستی محسوب می‌گردد (نوذری، ۱۳۹۲: ۱۰۲). ارتباط تنگاتنگی میان معنی‌شناسی و کاربرد وجوه مختلف فعل در تحلیل هر گفتمان وجود دارد و طریقه‌ی ارائه‌ی توصیفات در ارتباط مستقیم با وجه فعل است. «براساس نظریه‌ی ظرفیت، مرکز ثقل ساختاری جمله، فعل است، زیرا فعل تعیین می‌کند که چه تعداد متمم‌هایی می‌توانند یا باید در جمله ظاهر شوند. یعنی در هر جمله‌ای، غالباً فعل هسته است و بقیه عناصر یا وابسته فعل هستند یا وابسته و وابسته فعل» (طیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۵).

تحلیلگران کیفی متون، همواره پس از تحلیل ساختاری گفتمان و مشخص کردن اجزای گفتمانی، علت‌گزینش این اجزا را با توجه به بافت ذهنی و اجتماعی پدیدآورنده گفتمان، بررسی می‌کنند. به عقیده هالیدی (۱۳۹۳: ۶۲) نکته مهم در خصوص ماهیت متن این است که اگرچه هر متن از واژه‌ها و جمله‌ها تشکیل شده‌است، اما در واقع متن از معناها تشکیل می‌شود، و آنچه بیش از همه در تحلیل‌های کیفی مدنظر قرار می‌گیرد شیوه‌های خلق معنا و ارتباط متن با بافتی است که در آن به وجود آمده‌است.

در زمینه موضوع تحقیق، پیش از این، زهرا عامری (۱۳۹۱) وضعیت گونه‌های شعری پست‌مدرن در دو دهه اخیر را بررسی کرده، اما بر غزل پست‌مدرن تمرکز ویژه‌ای نکرده و تنها به‌عنوان بخشی از غزل معاصر، ویژگی‌های آن را آورده‌است. محبوبه خراسانی (۱۳۹۲) وضعیت غزل پست‌مدرن را از منظر سبک‌شناسی تحلیل کرده‌است. بررسی ویژگی‌های زبانی این تحقیق اهمیت بیشتری دارد. اعظم جوادی (۱۳۹۳) واژگان پرکاربرد غزل پست‌مدرن را معرفی و بر ویژگی‌های نحوی، آوایی و عاطفی آنها تأکید کرده‌است. محمود طیب (۱۳۹۴) ویژگی‌های کلی غزل پست‌مدرن را بدون بازه زمانی مشخص یا جامعه آماری معین بررسی کرده‌است.

وجه و وجهیت فعل را نیز شهرزاد ماهوتیان (۱۳۸۲)، ژیلبر لازار (۱۳۸۴)، امید طیب‌زاده (۱۳۸۵) نگین ایلخانی‌پور (۱۳۹۴)، جلال رحیمیان (۱۳۷۸)، محمد عموزاده و حدائق رضایی (۱۳۸۹)، محمد عموزاده و شادی شاه‌ناصری (۱۳۹۰) و منوچهر اکبری و مونا ولی‌پور (۱۳۹۵) پژوهیده‌اند. تاکنون پژوهشی کیفی درباره‌ی وجه فعل در غزل پست‌مدرن صورت نگرفته و پژوهش‌ها در این زمینه، صرفاً با رویکرد توصیفی بوده‌است.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- تعریف وجه^۱ و وجهیت^۲

وجهیت، نگرش سخنگو درباره‌ی حقیقت و درستی یک پاره‌ی گفتار و میزان قاطعیت گوینده در بیان یک گزاره است که نوع روابط میان افراد و مناسبات اجتماعی را مشخص می‌کند و مشخصه‌ی جمله محسوب می‌شود. وجه فعل آن دسته از ابزارهای دستوری است که نگرش گوینده را در فعل بروز می‌دهد. به تعبیر دیگر، صورت یا جنبه‌ای از فعل است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنا، تأکید و امید و بعضی امور دیگر دلالت می‌کند و عبارت است از دلالت فعل بر وقوع یا عدم وقوع عمل به شکل اخبار یا احتمال یا امر و از این جهت، وجه فعل ارتباط مستقیم دارد با معنی فعل اگرچه ظاهراً نیز نشانه‌هایی در آن وجود داشته باشد. (نک. فرشیدورد، ۱۳۵۰: ۲۱۹).

خانلری (۱۳۹۵: ۱۹۸) می‌نویسد: «وجه فعل به شیوه‌ای از استعمال فعل اطلاق می‌شود که به وسیله‌ی آن گوینده وضع خود را نسبت به جریان فعل بیان می‌کند. به عبارت دیگر، طریقه‌ای که جریان فعل از طرف گوینده نقل می‌شود برحسب آن که از وقوع فعلی خبر بدهد یا قصد خود را به انجام دادن، یا میل به انجام دادن، یا میل به انجام یافتن، یا شرط انجام گرفتن، یا امر به انجام دادن فعلی را بیان کند».

در میان فرانش‌هایی که هلیدی برای زبان برمی‌شمارد (اندیشگانی، بینافردی و متنی) می‌بینیم که در نقش بینافردی، «گوینده از زبان به مثابه ابزاری برای ورود خود به رخداد گفتاری استفاده می‌کند. برای بیان نظرات، نگرش‌ها، ارزیابی‌های خود و نیز بیان رابطه‌ای که میان خود و شنونده‌اش بنا می‌کند. رابطه‌ای که با صورت‌هایی مانند اطلاع‌رسانی، پرسش، احوال‌پرسی، اقناع و ... انجام می‌پذیرد» (درپر، ۱۳۹۲: ۸۰). وجهیت فعل یکی از مواردی است که

1. Mood
2. Modality

هلیدی آن را همراه با فرانقش بینافردی زبان به کار می‌گیرد. از نظر فالوئر (۱۹۸۶: ۱۳۱)، وجهیت به مثابه ابزاری است که مردم از طریق آن میزان درجه تعهد یا التزام خود را نسبت به صحت گزاره‌هایی که می‌گویند بیان می‌کنند.

۳-۲- انواع وجه فعل در زبان فارسی از نظر دستورنویسان

دستورنویسان آرای گوناگونی دربارهٔ وجوه فعل و نشانه‌های آن دارند. در کتاب‌های دستور وجوه فعل را بین سه تا هفت شمرده‌اند. خیامپور (۱۳۷۵: ۹۶) بر این باور است که وجه فعل عبارت است از دلالت آن بر وقوع یا عدم وقوع عمل به شکل اخبار، احتمال و امر. وی به ارتباط زبان توجه کرده و بر پایهٔ معنی، گونه‌های وجوه افعال را به سه وجه احتمالی (التزامی)، اخباری و امری محدود می‌داند. محمد جواد مشکور (۱۳۶۶: ۸۶) در دستورنامه، دوباره وجوه ششگانهٔ فعل چون اخباری، التزامی، امری، شرطی، وصفی و مصدری را مطرح می‌کند. فرشیدورد (۱۳۴۸: ۱۲۰) در دستور مفصل/امروزه، قائل به سه وجه اصلی اخباری، التزامی و امری برای فعل در زبان فارسی است. وی (۱۳۸۳: ۷۷) همچنین در کتاب فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی می‌نویسد: امروز پنج یا شش وجه برای فعل داریم؛ سه یا چهار وجه متصرف (قابل صرف به شش صیغه) و اصلی و دو وجه غیرمتصرف (یک صیغه برای تمام زمان‌ها و اشخاص). وجوه متصرف عبارت‌اند از: اخباری، التزامی، امری، تأکیدی. دو وجه غیرمتصرف عبارت‌اند از: مصدری و وصفی. خانلری (۱۹۸۰: ۱۳۹۵) پنج نوع وجه را برمی‌شمارد: اخباری، التزامی، شرطی، امری و تمنایی.

باطنی (۱۳۷۳: ۵) بدون ارائهٔ تعریفی از وجه، از وجوه اخباری، التزامی و امری یاد می‌کند. ارژنگ (۱۳۷۴: ۱۴۱) وجه فعل را صورتی از ساختار فعل می‌داند که دیدگاه گوینده را دربارهٔ قطعی یا غیرقطعی بودن یا امری بودن فعل می‌رساند. او معتقد است زبان فارسی امروز سه وجه بیشتر ندارد: اخباری، التزامی و امری. مشکوه‌الدینی (۱۳۶۶: ۵۱) نیز در تعریف وجه و انواع آن با ارژنگ موافق است.

ماهوتیان (۱۳۸۲: ۲۳۹-۲۳۱) در تقسیم‌بندی انواع وجه فعل آن را به اخباری، امری و التزامی تقسیم کرده و برای هر یک شاخه‌هایی نظیر شرطی، دعایی و منظوری، بایدی، احتمالی و پیمانی تعریف می‌کند. وفایی (۱۳۹۲: ۱۶۳) وجه فعل را به اعتبار چگونگی بیان مفاهیم به اخباری، التزامی و امری منقسم می‌داند. امروزه بیشتر دستورنویسان در سه وجه اخباری، التزامی و امری برای فعل در زبان فارسی اتفاق نظر دارند.

۳-۳ - تفاوت وجه و وجهیت

زبان‌شناسان میان وجه و وجهیت تفاوت قائل شده و بر این عقیده‌اند که وجهیت مقوله‌ای معنایی و وجه مقوله‌ای دستوری است (همایونفر، ۱۳۹۲: ۴)، اما همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، به نظر می‌رسد وجه فعل در کارکردهای معنایی خود، چندان پایبند ساختار صرفی و نحوی نیست و بیشتر تحت‌الشعاع معنای اراده شده قرار می‌گیرد. بدین ترتیب دیده می‌شود که گاه یک ساختار نحوی فعل در کاربرد معنایی، نمایانگر ویژگی‌های معنایی ساخت دیگری از فعل باشد. هالیدی معتقد است که در تعاملات، هر یک از عناصر برقراری ارتباط «توسط نوع خاصی از بند نشان داده می‌شود؛ مثلاً دادن اطلاع از طریق بند خبری و یا درخواست اطلاع از طریق بند پرسشی ممکن می‌شود. البته این رابطه همیشه یک‌به‌یک نیست و می‌توان حتی با یک بند خبری هم کالا و خدماتی را درخواست کرد» (هالیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۲۵-۲۶). پس می‌توان گفت در مقوله وجه، افعال براساس عناصر هم‌نشین و جانشین در بافت کلام، فعالانه تغییر معنا می‌دهند. برای نمونه ممکن است در کلامی، ساخت التزامی در معنای امری و یا اخباری در معنای التزامی و ... باشد. این ویژگی نشان می‌دهد که به صرف ساختار یک فعل نمی‌توان درباره وجه آن حکم صادر نمود.

۳-۴ - طبقه‌بندی وجهیت فعل از بُعد معنایی

زبان‌شناسان (پالمر، ۱۹۷۹؛ هاینه، ۱۹۹۳؛ بای بی و همکاران، ۱۹۹۴؛ نروگ، ۲۰۰۵؛ نک. داوری، نغزگوی کهن، ۱۳۹۶: ۲۳۸) با افتراق میان وجه و وجهیت، آن را به دسته‌های زیر منحصر دانسته‌اند:

۳-۴-۱- وجهیت توانمندی: در این نوع از وجهیت انتساب عمل به فاعل -کننده عمل- در بند یا جمله است. مثال: باید هر طوری شده یه کاری بکنم.

۳-۴-۲- وجهیت درخواستی: در این نوع از وجهیت نوعی اجبار یا اجازه برای انجام عمل در محتوای جمله وجود دارد. گوینده، درخواستی یا تهدیدی یا اجازه‌ای صادر می‌کند. مثال: باید از اینجا بروی. لازمه یه سر بهش بزنی.

۳-۴-۳- وجهیت برداشتی: این وجهیت معنایی، میزان تخمین یا احتمال وقوع فعل و درجه احتمال وضعیت امور را در بند مشخص می‌کند. مثال: شاید تا حالا رفته باشد (همایونفر، ۱۳۹۲: ۵-۹). وجه برداشتی وضعیت برداشت یا شناخت گوینده را نشان می‌دهد و به دو نوع تقسیم می‌شود: ۱- قضاوت‌های گوینده (قضاوت‌های حدسی یا سست و قضاوت‌های استنتاجی

یا قوی)؛ ۲- شواهد و قراین (همان: ۶۷). با توجه به تقسیم‌بندی وجهیت معنایی، فعل‌های وجهی فارسی به موارد زیر تقسیم شده‌اند:

- ۱- «باید»: (درخواستی: اجباری و ضرورت)
- ۲- «توانستن»: (توانمندی)
- ۳- «شاید»: (برداشتی - احتمالی) احتمال داشتن، ممکن بودن، امکان داشتن (نک. داوری، نزرگویی کهن، ۱۳۹۶: ۲۳۶-۲۶۱)

در هر گفتمان براساس قابلیت‌های هر یک از این وجوه است که فعل‌ها استفاده می‌شوند و گوینده براساس خواسته‌ها و پیش‌فرض‌های ذهنی، هر یک از این صورت‌ها را برمی‌گزیند. «مقررات نظام‌های زبان که از قبل تعیین شده و محدود است، به فاعل زبان که خواهان آزادی بیشتری برای بیان است اجازه فعل و انفعال نامحدود نمی‌دهد. همین محدودیت است که فاعل زبان را چه‌بسا ناخواسته مجبور به دخالت در مقررات نظام زبانی می‌کند تا بتواند متن خود را (چه نوشتاری و چه گفتاری) به آن صورت که می‌خواهد تولید کند ... به عبارت دیگر، زبان در خدمت ذهنیت کاربرنده آن قرار می‌گیرد» (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۳۶).

۴- بحث و بررسی

در هر گفتمان، عناصر زبانی و غیرزبانی آن تحت‌الشعاع انگاره‌های ذهنی گوینده یا عامل آن گفتمان قرار دارد. عاملان هر گفتمان ناخودآگاهانه تحت تأثیر برداشت‌های خود از حوادث پیرامونی‌اند و بر این اساس، شیوه‌های بیانی خاصی در راستای اغراض خود اتخاذ می‌کنند. لاکان معتقد است «زبان روی تحریف مداومی از ساختمان خود فعالیت می‌کند، تحریفی که همان حضور فاعل است. به عبارت ساده‌تر، حضور فاعل و ذهنیت او که تحت تأثیر شرایط محیط پیوسته در حال تغییر است، باعث می‌شود که ساختار زبان نیز ثابت و پایدار نماند و مدام دگرگون شود» (به نقل از عضدانلو، ۱۳۸۰: ۳۸).

در گفتمان غزل پست‌مدرن این حقیقت در نحوه بازنمایی گزاره‌ها نمود می‌یابد. «فرا مدرنیته از کارکرد نمایش‌دهندگی زبان منصرف می‌شود و به تبعیت از فراساختارگرایی، این ایده را می‌پذیرد که زبان نه بازتابنده، بلکه سازنده جهان است. از این‌رو، دانش همیشه با زبان، یعنی شرایط تاریخی و محیط ویژه‌ای که در آن به وجود می‌آید، تحریف و آلوده می‌شود. این بدان معنی است که ما هرگز نمی‌توانیم زبان را از شرایط ویژه‌ای که در آن خلق می‌شود، جدا

سازیم (همان: ۳۹). با توجه به جنبه‌های دوگانه کلام (چه و چگونه گفته می‌شود) چگونه گفتن پیام اغلب با توجه به شرایط و موقعیت‌ها، حامل معانی مختلف است. این اغراض در قالب عناصر گفتمانی ظاهر می‌شوند و یکی از اصلی‌ترین عناصر گفتمانی، وجوه فعلی متعدد است.

۴-۱- وجه اخباری و کارکرد گفتمانی آن در غزل پست‌مدرن

بعضی از صیغه‌های فعل برای خبر دادن از کار یا حالتی آورده می‌شود. این گونه صیغه‌ها از «وجه اخباری» شمرده می‌شوند. در صیغه‌های وجه اخباری، گوینده به روی دادن یا ندادن فعل یا به وجود و عدم حالتی که از آن خبر می‌دهد یقین دارد و اسناد در آن قابل صدق و کذب است. در تمامی تعاریف بر این نکته تأکید شده است که وجه اخباری در صورتی به کار می‌رود که وقوع یا عدم وقوع فعل از نظر گوینده حتمی باشد. «کاربرد وجه اخباری از دیگر وجوه بیشتر است» (ماهوتیان، ۱۳۸۲: ۲۳۱). ساخت‌هایی از فعل که در وجه اخباری‌اند عبارت‌اند از: ۱- گذشته کامل؛ ۲- گذشته کامل دور؛ ۳- گذشته استمراری؛ ۴- گذشته کامل نقلی؛ ۵- گذشته کامل استمراری؛ ۶- حال استمراری؛ ۷- حال جاری؛ ۸- آینده (به استثنای آینده کامل احتمالی) (وفایی، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

استفاده از وجه اخباری در دو بیت زیر، نشان‌دهنده روایت مستقیم و منفعلانه شاعر است. روایتی خطی که حتی قصد انگیزش مخاطب را نیز نداشته و نوعی بی‌حوصلگی و استیصال را نشان می‌دهد. استفاده از این وجه با زمان حال، میزان قطعیت گوینده را در صحت گزاره‌ای که وقوع آن در حال صورت می‌گیرد نشان می‌دهد شاعر تنها به شرح وقایعی که در حال و به صورت روزمره در حال رخ دادن است اشاره می‌کند. گزاره‌های مطرح شده، برای شاعر عینی و قطعی‌اند به گونه‌ای که حتی دیده می‌شود شاعر از عناصر تأکیدی برای انگیزش مخاطب استفاده نمی‌کند؛ زیرا «ما ممکن است از آنچه در گذشته روی داده است، از آنچه ممکن است در آینده رخ دهد یا آنچه در جایی حادث می‌شود مطمئن نباشیم؛ اما بر دانشمان بر زمان حال، اینجا و اکنون همان‌گونه که دنیای ادراکی حاضر را تجربه می‌کنیم تأکید می‌ورزیم» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۸۲). در ابیات زیر، شاعر از وجه اخباری در زمال حال استفاده کرده است:

صبح طرح مجازی عرفان! عصر ژل می‌زنم به گیسویــــ
می‌نویسم هر آنچه می‌خواهند، هر چه که خواستند می‌گویم
عشق دیوانگی اصل من است! شکلی از اعتراض نسل من است
عشق من مثل خرس می‌خوابد، توی جوراب‌های بدبویــــ
(موسوی، ۱۳۹۴: ۷۴)

استفاده از این وجه در این ابیات نشان‌دهنده قطعیت گزاره‌های ادعایی شاعر همراه با انعکاس نوعی معنی اجبار و اضطراب است. در این موارد می‌توان برداشت کرد که قصد شاعر از این نوع بیان، بازنمایی و برجسته نمودن همین اجبارها باشد.

اگر با توجه به نظر کارتر، واژگان را از جهت شأن و کارکرد متفاوت‌شان به دو نوع هسته‌ای و غیرهسته‌ای تقسیم کنیم (به نقل از یارمحمدی، ۱۳۸۰: ۲۰۱)، در این تقسیم‌بندی، وجه اخباری فعل را باید به جهت امکان صدق و کذب و شمول معنایی عام‌تر در دسته افعال هسته‌ای قرار دهیم. در هر گفتمان استفاده از واژگان هسته‌ای در جهت عینیت بخشیدن به مطالب صورت می‌گیرد. در بیت‌های زیر (از مجید معارف‌وند) می‌توان بهره‌گیری از وجه اخباری را با هدف برجستگی و وضوح معنایی گزاره‌ها و تأکید بر آنها دانست:

از لابه‌لای پنجره‌ها، چشم‌های خیس
می‌ریخت چکه‌چکه به ایوان یکی‌یکی
حل می‌شدند در نفس هم کلاغ‌وار
سرها میان سایه‌دالان یکی‌یکی
(حسینی، ۱۳۹۳: ۲۵۶)

شاعر با توصیفات صرف و استفاده از وجه اخباری، خود را به گزارشگری منفعل تبدیل می‌کند. در غزل پست‌مدرن گاهی همراه افعال در وجه اخباری، برای نشان دادن تأکید شاعر بر عینیت گزاره‌ها و همچنین مؤکد کردن گزاره از قیده‌های تأکید استفاده می‌شود. این وجه از فعل برای بیان موضوعات گوناگونی استفاده می‌شود و بنابه نوع ماهیتی که شاعر از آن اراده کرده‌است، ساده یا مؤکد بیان می‌شود. در امور وصفی که قصد شاعر تنها گزارش توصیفی است، این وجه به صورت ساده است و اغلب در زمان گذشته استفاده می‌شود:

پنگوئن‌ها به راه افتادند در ته خواب‌های غمگینم
قطب‌ها سمت استوار رفتند ... ایستادم که بعد بنشینم
رادیو نوحه پخش می‌کردی توی مغز کسی که من خرم!
چشم‌ها می‌کنم در این تابوت باز هم هیچ چی نمی‌بینم
(موسوی، ۱۳۸۹: ۱۱)

تمامی افعال در بیت‌ها در وجه اخباری و بیشتر زمان‌های فعل گذشته است. «زمان گذشته در مقایسه با زمان حال و آینده همواره قطعیت بالاتری در زمینه رویداد دارد» (داوری و نغزگوی کهن، ۱۳۹۶: ۲۳۴). شاعر اتفاقاتی را گزارش می‌کند که در گذشته رخ داده و وقوع آن پایان یافته‌است. در ابیات پایین نیز این گونه است:

خلاصه این که سرم رفت و پیکرم جا ماند
به عکس، پیکر من محو شد، سرم جا ماند
گریست خواهر من روی دست‌هام، تمام
و به دستم موه‌های خواهرم جا ماند
(میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۴۵)

در این بیت‌ها حتی نوع بیان تفسیری با واژه‌هایی مانند «خلاصه» نشان از آن دارد که شاعر سعی در بیان مستقیم و روشنگری تداعی‌ها ندارد و تنها به گزارش اتفاق‌ها بسنده می‌کند.

در بیت‌های زیر (از الهام میزبان)، استفاده‌های مکرر از وجه اخباری، نوعی حس ملال و بی‌حوصلگی را به ذهن مخاطب القا می‌کند. تکرار فعل در وجه اخباری و زمان گذشته، فضایی خسته‌کننده به تصویر می‌کشد. با توجه به تعریف واژگان نشان‌دار و بی‌نشان در گفتمان‌شناسی؛ «واژگان بی‌نشان تنها نمادی از واقعیت است و به مصادیق ذاتی یا تجربیدی اشارت دارند. واژه‌های نشان‌دار علاوه بر اشارت به یک مصداق خاص، نگرش‌گوینده و نویسنده را نیز در خود جای داده‌اند» (بارمحمدی، ۱۳۹۳: ۶۰)، باید گفت در ابیات زیر، شاعر ضمن توصیف‌های مکرر با استفاده از صفت‌های نشان‌داری نظیر «غم‌زده، سرد، دل به هم زده» در کنار وجه اخباری میزان قطعیت گزاره‌ها را افزایش داده‌است:

چسباند عکس غم‌زده این دوشنبه را چسباند دست سرد خودش را به من، به ... را
راحت نشست توی خودش بعد سر کشید لیوان دل به هم زده شیر انبه را
(حسینی، ۱۳۹۳: ۲۸۲)

گاه در غزل‌های پست‌مدرن وقتی هدف بیان حقیقتی فردی، اجتماعی، جنسی، دینی، سیاسی، عاطفی و ... است، علاوه بر استفاده از وجه اخباری در زمان حال، میزان قطعیت و اطمینان با قیدهایی مؤکد شده‌است. در این صورت برای مخاطب نیز جای تردید باقی نمی‌ماند. در این حالت اگر به عقیده پالمر وجهیت را دستوری‌شدگی عقاید ذهنی‌گوینده و نگرش وی بدانیم (آقا گل‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۳۷)، می‌توان میزان قطعیت‌گوینده را از شیوه بیان وی به‌ویژه در وجه فعلی که انتخاب کرده‌است، استنباط نمود:

از خودم مثل مرگ می‌ترسم، مثل از زندگی شدن با هم
هیچ چی واقعاً نمی‌فهمم، هیچ چی واقعاً نمی‌خواهم
دارم از اتفاق می‌افتم، مثل از چشم‌های غمگینت
مثل از زندگی تو بیرون، می‌زنم زیر گریهات را هم
(موسوی، ۱۳۹۴: ۴۷)

توصیف‌های مستقیم با همراهی وجه اخباری و قیدهایی تأکید، بر میزان قطعیت پاره‌گفتارها در ابیات زیر افزوده‌است. نکته مهم این است که منظور از ایجاد قطعیت در صحت گزاره‌های ادعایی شاعر به معنی این نیست که گزاره‌های شعری عنوان شده با وجه اخباری از

جهت ارجاع به دنیای واقعی و صحت معانی دارای قطعیت است که در این صورت منافی مبانی شعر پست‌مدرن خواهد بود؛ بلکه منظور از ایجاد قطعیت، قطعی بودن هرگونه گزاره مشوش یا خارج از عرف و عادت است که در فضای غزل پست‌مدرن، مجال بروز می‌یابد. در ابیات زیر استفاده از افعال اسنادی «که بر انجام یافتن کاری دلالت ندارند؛ بلکه تنها از بودن صفت یا حالتی یا وجود رابطه‌ای بین نهاد و مسند خبر می‌دهند و تصور معنای فاعل را در ما برنمی‌انگیزند» (ارژنگ، ۱۳۷۴: ۹۵)، کارکردی گفتمانی در جهت قطعیت بخشیدن به صحت جمله‌های بیان شده، یافته‌است:

اینجا غم است، فقط واقعاً غم است	این شرح منظره‌ای از جهنم است:
هرچند که ادامه تصویر درهم است	یک مرد و زن کنار افق دیده می‌شوند
یک بمب منفجر شده در متن عالم است ...	ابلیس هست و نیست، خدا هست و نیست
دنیا درست مثل همیشه جهنم است	اینجا فقط غم است فقط تا ابد غم است

(موسوی، ۱۳۹۴: ۱۸۴)

در ابیات بالا هدف شاعر تنها توصیف فضایی است که در آن به سر می‌برد. این بافت موقعیتی و حوادث به وقوع پیوسته در آن از میان توانش‌های متعدد زبانی، با فعل‌های اخباری در ساخت اسنادی به کنش رسیده‌اند و این بدان معنی است که در فضای ذهنی شاعر، وقایع پیرامونی به این شیوه بازتاب یافته‌است. گاهی فعل‌های مکرر اسنادی که تنها وظیفه ارتباط‌دهندگی مسند و مسندالیه را به عهده دارند، همچنین گزاره‌های خالی از افعال کنشی و روایتگری صرف، نشان‌دهنده حس دلمردگی و اعتراض گوینده است. در فعل‌های ایستایی از قبیل «بودن»، محدودیت زمانی یا نمود پایانی وجود پایانی ندارد زیرا در آنها زمان به پایان رسیدن کار اهمیت ندارد (رضایی، ۱۳۹۱: ۳۱). در این گونه افعال تنها بیان حالت اهمیت ویژه دارد. در ابیات زیر، شاعر اعتراض خود را تنها با تأکید بر واژه‌های اعتراضی منتقل نمی‌کند بلکه این اعتراض در شیوه بیان توصیفگر و منفعل او نیز نمود می‌یابد:

چهل و نفرت، ریا و رابطه‌ها فصلی از ایل بی‌تبار من است
سنگ زیرین آسیا شده‌ام، عشق در کار سنگسار من است
یک طرف اختلاط نان و شرف، یک طرف عاشقان بی‌مصرف
خنده گوسفندهای طرف! قصه روز و روزگار من است
مرگ زخمی است روی شانه من، زایمانی است در زمانه من
آه ای عشق احمقانه من، لب تو آخرین و بار من است
(نجفی، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۷)

نکته دیگر درباره کاربرد فعل‌ها میزان کاربرد فعل‌های اسنادی و کنشی است. در «جملات کنشی تحرک و تبوتاب و جریان کار وجود دارد، اما در جملات ربطی حالت سکون و آرامش و در عین حال، برقراری ارتباط بین دو پدیده است» (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳). در ابیات بالا شاعر علاوه بر وجه اخباری که نشان از قطعیت شاعر در موضوع ادعایی دارد فعل را به صورت اسنادی به کار برده است. این شیوه برخلاف افعال کنشی، الفای سکون و ایستایی کرده و به قطعیت و تثبیت معنای مورد نظر شاعر نیز کمک کرده است:

بدجور خسته‌ام همه عمر خستگی، با دست بغض خود دهنم را گرفته‌ام
 از هر شهید زنده معمارم، ببین! ترکش تمام حجم تنم را گرفته‌است
 ترکش که نیست، زخم زبان غریبه‌هاست، تا مغز استخوان مرا دوره می‌کند
 لعنت به این طبیعت ناجور و مبتذل، وقتی «زنم» حضور زنم را گرفته‌است
 (صباغ نو، ۱۳۹۴: ۳۹)

در مجموع می‌توان درباره استفاده از وجه اخباری در نمونه شعرها گفت که وجه اخباری در این اشعار، سعی در بازنمایی بافت موقعیتی ایدئولوژیک ندارد؛ بلکه شاعر دلتنگی‌ها و دلخوری‌های خود را که در بسیاری از موارد صبغه جبری دارد با وجه اخباری بیان می‌کند. در این روایت‌ها با «فاعل کنشگر غیرمختار» مواجه هستیم که در روند وقوع رخدادها دخالتی ندارد و تنها پندار گوینده و بی‌اختیاری وی (همراه با نارضایتی) در مورد وقوع رویدادی نامیمون و خارج از کنترل کنشگر نشان داده می‌شود. (داوری و نغزگوی کهن، ۱۳۹۶: ۲۲۲). به نظر می‌رسد شاعر توانسته باشد خواننده را نیز با دریافت‌های خود هم‌داستان کند:

دعا کردیم و هر شب ترس هامان بیشتر می‌شد دعا کردیم و گوش آسمان هر بار کر می‌شد
 من و تو در دهان زندگی پا بسته جا ماندیم دعا خواندیم و هر بار این جهنم داغ‌تر می‌شد
 (ابراهیم پور، ۱۳۹۳: ۴۷)

نکته مهم در ابیات بالا گزینش وجه اخباری در زمان گذشته استمراری است. این نشان‌دهنده پایایی و استمرار حسی است که شاعر سعی در بازنمایی آن دارد و بیشتر آمیزه‌ای از دلزدگی و یأس است که با این زمان مؤکد شده. به سخن دیگر، هدف شاعر نشان دادن استمرار حالت‌های بیان شده در دوره‌ای از زمان گذشته با تداوم و تکرار بوده است. نکته دیگر، صیغه‌های جمع افعال است که حامل معنی ملازمت و نشان‌دهنده کارکرد همدلانه و جلب همراهی مخاطب در جهت انگیزانندگی و همسو کردن وی با شاعر است. درصد زیادی از فعل‌های وجه اخباری در این نمونه غزل‌های پست‌مدرن از نوع افعال اسنادی‌اند که تنها در گزاره‌های توصیفی نمود یافته‌اند و این نشان از سکون و ایستایی گزاره‌هاست.

۴-۲- وجه التزامی و کارکرد گفتمانی آن در غزل پست‌مدرن

هرگاه واقع شدن یا نشدن فعل مسلّم نباشد، فعل در وجه التزامی آورده می‌شود. فعلی که به وجه التزامی است، اغلب دنبال فعل دیگر می‌آید. مضارع التزامی در جمله‌های مستقل کاربرد نسبتاً محدود دارد (لازار، ۱۳۸۴: ۱۷۷). وجه التزامی صورت یا جنبه‌ای از فعل است که بر امری احتمالی و غیرقطعی مثل آرزو، میل، خواست، دعا، امید، شرط، شک، لزوم و مانند آن دلالت کند. در خصوص این وجه، این نکته در تمامی منابع مشترک است که وقوع یا عدم وقوع فعل قطعی نیست. الزام و امکان در زبان منطق به صورت دو عملگر؛ «ممکن است که» و «لازم است که» نشان داده شده‌است. الزام یعنی تحقق گزاره در جهانی از جهان‌های ممکن، امکان‌پذیر است و امکان یعنی تحقق گزاره در تمامی جهان‌های ممکن، لازم است. این تمایز دوگانه الزام و امکان در تحلیل‌های زبان‌شناختی جای خود را به پیوستارهایی می‌دهد که نشان‌دهنده میزان تعهد گوینده به گزاره‌ای است که بیان می‌کند و نیز بیانگر درجه اطمینان او از تحقق آن گزاره‌اند (ایلخانی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۹-۱۸). ساخت‌هایی از فعل که در وجه التزامی‌اند عبارتند از: ۱- گذشته التزامی؛ ۲- حال التزامی؛ ۳- فعل‌های با قید التزام (وفایی، ۱۳۹۲: ۱۶۴). در بیشتر موارد، فعل‌های وجه التزامی با عوامل التزام‌ساز نظیر شاید، کاش، گویا، مثل اینکه و ... همراه است. گاه غرض شاعر از گزینش وجه التزامی فعل، بهره‌گیری از نقش منظوری وجه التزامی است. شاعر قصد خود را از انجام کاری بیان می‌کند. این شیوه گزینش فعل، در ژرف‌ساخت یک امکان معنایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند و آن قطعیت بر عدم امکان آن فعل تا کنون است؛ یعنی تا به حال آن فعل صورت نگرفته اما گوینده آرزو می‌کند کاش آن فعل به وقوع بپیوندد. در ابیات زیر شاعر با شواهد و قراین استنتاجی که محصول تحلیل‌های ذهنی اوست درباره بافت موقعیتی حاکم اظهار نظر می‌کند:

بهار آمده یک داغ نو به من بدهد
تو را بگیرد و احساس بی ... شدن بدهد
صدای درد مرا می‌شود بیننی یارا!
اگر خدا به غزل‌های من دهن بدهد
(قریشی و زنده‌دل، ۱۳۸۴: ۳۶)

بسیار دیده می‌شود که در اشعار ایدئولوژیک بسامد وجه اخباری فعل بالاست، در نتیجه مخاطب با روایت محض و عدم تردید گوینده مواجه است. این شیوه بیان در انگیزانندگی

مخاطب نقشی منفعل و بی‌طرف دارد. اما گاه وجه اخباری در معنی التزامی به کار رفته‌است و عناصر التزام‌ساز مانند فعل‌های وجهی و قیده‌ها، وظیفهٔ ایجاد این تحول معنایی را بر عهده می‌گیرند. افعال را در وجه التزامی باید از نوع غیرهسته‌ای به شمار آورد، به این معنی که همواره دارای دلالت‌های ضمنی و هاله‌های معنایی وسیع‌تری نسبت به افعال هسته‌ای هستند. در گفتمان‌های غیرعلمی که بیشتر مبتنی بر ارائهٔ نظر بدون توجه به استنتاج‌های علمی است اغلب از واژه‌های غیرهسته‌ای استفاده می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۸۰: ۲۰۱):

یعنی دلی که زندگی‌اش درد می‌کند
شاید برای خانم دکتر گرفته است
(موسوی، ۱۳۸۹: ۶۲)

در بیت بالا وجه اخباری در ساخت ماضی نقلی و در معنای شک و تردید و عدم قطعیت به کار رفته‌است. «برخلاف وجه اخباری که عمل واقعی را می‌رساند، مضارع التزامی در مواردی به کار می‌رود که تحقق عمل قطعی در نظر گرفته نمی‌شود. این وجه در بیان آرزو، امکان، اجبار، شک و تردید، شرط و مانند آنها به کار می‌رود» (لازار، ۱۳۸۴: ۱۷۶). به نظر می‌رسد استفاده از وجه‌ها در معنای یکدیگر، علاوه بر تحول کارکردهای متداول افعال، دلالت‌های مستقیم فعل‌ها را نیز به چالش می‌کشد و در صورت تکرار این گونه موارد، نوعی عدم قطعیت و تشکیک در باورهای نهادینهٔ مخاطب ایجاد می‌گردد. زیرا شواهد و قراینی که شاعر ارائه می‌دهد چندان محکم نیست. استفاده از «شاید» در گزارهٔ فوق نشان می‌دهد در این گزاره «تنها ذهنیت گوینده جریان دارد و هیچ عنصر عینی (مانند مخاطب) در گیر این ذهنیت نیست؛ به بیان دیگر، چنین ارزیابی ذهنی ضرورتاً نمی‌تواند حاوی حقیقت قطعی در مورد اوضاع امور در دنیای خارج باشد، بلکه تنها نظر گوینده را در این مورد بیان می‌کند.» (داوری و نغزگوی کهن، ۱۳۹۶: ۲۴۹). در اشعار هنجارگریز و اعتراضی وفور وجه‌های التزامی و امری و کاربرد وجه‌ها به جای یکدیگر خصیصه‌ای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. در بیت زیر (از طاهره خنیا) وجه التزامی کارکرد وجه اخباری را یافته‌است و در این ساخت به صورت «جمله‌ای مستقل برای ابراز نگرانی از وقوع کاری در آینده» (ارژنگ، ۱۳۷۴: ۱۴۳) به کار رفته‌است:

می‌ترسم از حرارت، می‌ترسم از شمارش معکوس
از تست بارداری فوری، از ترس اینکه حامله باشم...
(حسینی، ۱۳۹۴: ۱۶۲)

اگر به ماهیت دنیای پسامدرن، دنیایی که در آن «تقابل و مرزبندی بین واقعیت و تخیل در هم می‌ریزد و جای خود را به نوعی فراواقعیت^۱، یعنی دنیای نشانه‌های خودارجاعی می‌سپارد (نوذری، ۱۳۹۲: ۶۳) توجه داشته باشیم، بسامد بالای فعل‌های وجه التزامی تردید، اضطراب و نگرانی گوینده و عدم تأکید وی بر گزاره‌ای است که مطرح می‌کند. با توجه به ماهیت معنایی جریان پست مدرن، باید انتظار داشت که این کارکردها در غزل پست مدرن فراوان باشند. شاعر تمامی موارد غیریقینی و توأم با تردید و تشکیک و نیز مواردی که مایل است در قطعیت آنها تشکیک کند را با این وجه فعل بیان می‌کند. وجه التزامی به‌ویژه در غزل‌های پست مدرن با ساختار روایی گسسته و اپیزودیک دیده می‌شود. در گزاره‌های زیر (از پیام سیستانی)، وجه التزامی به ظهور جمله‌هایی انجامیده که پایه آنها بیانگر عدم قطعیت است، جمله پایه بر تردید و امکان و عدم امکان کاری دلالت می‌کند (ارژنگ، ۱۳۷۴: ۱۴۴):

فرض اول که نامه بنویسم، نامه‌ای عاشقانه بنویسم
نامه را با زغال سیاه، روی دیوار خانه بنویسم
فرض دوم: ته دلت با غم، طبق برنامه غم‌برک بزنم
از همان جا برای گیسویت، نامه در رد شانه بنویسم
فرض سوم که اخم شیرین را لاقل سرخوشانه برچینی
تا مبادا به تیشه سرخور نامه‌ای خودسرانه بنویسم
(صحرایی، ۱۳۸۷: ۱۳)

گاه نیز شاعر از وجه التزامی جهت پاسخ دادن به سوال‌های مقدر مخاطب استفاده می‌کند. در این موارد وجه التزامی در بخش پیرو گزاره‌ای شرطی یا تفسیری و برای بیان هدف و نتیجه جمله پایه به کار می‌رود که با توجه به غیرهسته‌ای بودن وجه التزامی، منعکس‌کننده نظر و عقیده شاعر است:

سیگار می‌کشم نفسی غم بیاوری
چای غروب ریخته را دم بیاوری
سیگار می‌کشم نکند مثل من تو هم
یک روز توی زندگی‌ات کم بیاوری
تا غصه‌دارتر بشوم در عروسی‌ات
یک شهر، توی مجلس آدم بیاوری
(نجفی، ۱۳۹۳: ۱۲۷)

به نظر می‌رسد وجه التزامی فعل در غزل‌های پست‌مدرن بررسی شده، علاوه بر دلالت‌های معنایی که برای این وجه فعل در کتب دستور ذکر شده، حامل نوعی حس حسرت و پوچی نیز هست. در تمامی موارد، شاعران از موضوعات غیرقطعی همراه با نوعی تأسف، یاد کرده‌اند و شاید همین تردید در وقوع فعل، برای شاعر آزاردهنده باشد. دیده شد که شاعر با به کارگیری این وجه فعلی، نوعی تردید و وسواس را به مخاطب نیز منتقل کرده و همدردی مخاطب را نیز برمی‌انگیزد. احمدشفايي، در کتاب *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، مناسبات وجه التزامی را در دو مفهوم «تمایل» و «تردید» خلاصه می‌کند و عقیده دارد مفهوم تمایل بیشتر در مضارع التزامی و مفهوم تردید بیشتر در ماضی التزامی به چشم می‌خورد؛ زیرا انسان نسبت به کاری که در گذشته انجام گرفته، تردید بیشتری دارد (به نقل از مظاهری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۰۱).

یکی دیگر از کارکردهای وجه التزامی در غزل پست مدرن را می‌توان مواقعی دانست که شاعر بنابه اضطرار و اجبارهای ایدئولوژیکی، قادر به بیان قطعی و مستقیم نیست؛ لذا از این وجه جهت برانگیختن حس کنجکاوی مخاطب و جلب توجه به موضوع استفاده می‌کند. در این موارد با استفاده از عناصر مقیدکننده فعل نظیر قیده‌های زمان، تعلیل، تأکید، تفسیر و ... بر میزان انگیزتگی مخاطب می‌افزاید:

ناگهان زنگ می‌زند تلفن، ناگهان وقت رفتنت باشد
مرد هم گریه می‌کند وقتی، سر من روی دامنت باشد
بکشی دست روی تنه‌ایم، بکشد دست از تو و دنیات
واقعاً عاشق خودش باشی، واقعاً عاشق تنت باشد
روبرویت گلوله و آتش، پشت سر خنجر رقیقت
توی دنیای دوست داشتی، بهترین دوست، دشمنت باشد
دل به آبی آسمان بدهی، به همه عشق را نشان بدهی
بعد در راه دوست جان بدهی، دوستت عاشق زنت باشد
(موسوی، ۱۳۹۴: ۴۴)

صورت منفی وجه التزامی نیز نشان‌دهنده عدم احتمال وقوع فعل در همه زمان‌های ممکن در فضای گفتمانی است. این صورت از وجه التزامی، نشان از آن دارد که فعل مورد نظر تحت هیچ شرایطی به وقوع نخواهد پیوست:

خواستیم و قرار بود و نشد، آخر فیلم را عوض بکنیم
زن نبود و کسی نمی‌خواهد، عاشق آدم آهنی باشد
(همان: ۴۱)

در بیت بالا دیده می‌شود که علاوه بر صورت منفی، فعل در وجه التزامی و زمان گذشته به کار رفته است. گذشته التزامی را برای اشاره به عملی به کار می‌برند که در آن شک و تردید وجود دارد و یا گمان می‌برند که انجام شده باشد (ماهوتیان، ۱۳۸۲: ۲۳۵). در این بیت نیز شاعر از عملی سخن می‌گوید که قرار بود صورت پذیرد اما انجام نشده و هیچ‌گاه انجام نخواهد شد. به عقیده خانلری در وجه التزامی عواطف و ذهنیات گوینده با جریان فعل درمی‌آمیزد (۱۳۹۵: ۱۹۹) و به همین دلیل می‌توان گفت که گوینده، از روایتگری صرف و بی‌طرف به تحلیلگری درگیر تبدیل می‌شود که با این نوع عمل گفتمانی، قصد برانگیختن کنجکاوی مخاطب را نیز دارد:

لباس تازه بپوشی مگر پسند شوی
 که خواستگار سمج، مرگ مهربان باشد
 از ارتفاع نترسی و ترست این بشود
 که پای پنجره‌ای بسته در میان باشد
 (نجفی، ۱۳۹۳: ۲۴)

یکی دیگر از کارکردهای گفتمانی وجه التزامی، اختلال در زمان فعل است. تردید و عدم قطعیت، زمان فعل را نیز در حالت تعلیق قرار داده و به تشدید ابهام، آشفتگی و عدم قطعیت فعل کمک می‌کند و این ابهام در معنی، مخاطب را نیز در فرایند درک معنا دچار سردرگمی می‌کند. این شیوه، از خصایص سبکی ادبیات پست‌مدرن است که در غزل پست‌مدرن نیز کاربرد گسترده‌ای دارد.

۳-۴- وجه امری و کارکرد گفتمانی آن در غزل پست‌مدرن

در صیغه‌های امری، فرمانی به نفی و اثبات می‌دهیم؛ یعنی به کسی می‌گوییم که کاری را انجام دهد یا ندهد و یا حالتی را بپذیرد یا نپذیرد. در وجه امری کار به صورت حکم و فرمان، خواهش، خواست و تمنا بیان می‌شود. «صیغه ی امر، حکمی را با همه تفاوت‌های ظریف معنایی آن می‌رساند: دستور، دعوت، نصیحت، خواهش و ...» (لازار، ۱۳۸۴: ۱۷۹). وجه امری ناظر بر وجهیت درخواستی است که در آن به اجبار یا تقاضا، امری درخواست می‌شود. به اعتقاد میشل پشو «واژه‌ها مطابق با مواضع اتخاذشده به وسیله کسانی که آنها را به کار می‌برند، معنای خود را تغییر می‌دهند» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۶۷). این عقیده در مورد افعال به‌عنوان رکن مهم جمله مصداق دارد. در وجه امری، اگر گوینده بخواهد نشان دهد که از نظر

او فعل جمله به وقوع می‌پیوندد، وجه اخباری را به کار می‌برد و اگر در مورد وقوع فعل به هر طریقی دچار شک باشد و وقوع فعل هر چند تحقق‌پذیر باشد اما حتمی نباشد، از وجه التزامی بهره می‌گیرد. در خصوص وجه امری نیز باید گفت آنچه در کاربرد وجه امری زبان فارسی اهمیت دارد نگرش گوینده به اجرای امر و فرمان از سوی مخاطب است:

دست و پای مرا به تخت نیند، مثل دیوانه‌ها بلند نخند
من فقط یک هزار پایم که دوست دارد تو را قطار شود ...
آه شال و کلاه تو بشوم کیف چرم سیاه تو بشوم
عشق باید به پای ما روزی کفش آماده فرار شود
(میرزایی، ۱۳۹۳: ۳۰۱)

در بیت‌های بالا وجه‌های امری به دو صورت ساخت امری و وجه التزامی در معنای امر است. در بیت دوم فعل وجهی «باید» به همراه وجه التزامی، در معنای امر به کار رفته‌است. وجه امری با ساخت التزامی در گزاره فوق نشان از تردید گوینده در تحقق عملی دارد که خواهان انجام آن است. اگرچه در هر صورت، وجه امری دارای کارکردی آمرانه و تحکمی است اما در آن یا در وجهیت درخواستی، غالباً دو نوع درخواست نمود می‌یابد: نوعی از وجهیت درخواستی محترمانه که در آن برای رعایت احترام و ادب از قید تبری و ادب؛ لطفاً، در صورت امکان و ... استفاده می‌شود. این وجه درخواستی بیشتر شامل کلام رسمی و غیرمستقیم است. این وجه با ماهیت معنایی غزل پست‌مدرن سازگاری کمتری دارد، از این‌رو، در غزل پست‌مدرن بیشتر شاهد حضور امر حاضر هستیم:

ضامنم را بکش که منتظرند
بمب‌هایی که در مدار من‌اند
رو به صفری که می‌رسد بشمار
لحظه در لحظه انتظارم را
علیرضا آذر (حسینی، ۱۳۹۴: ۵۲)

اگرچه امر مستقیم (حاضر) گاه نشان‌دهنده صمیمیت و یگانگی گوینده با مخاطب نیز هست:

دو تا پیاله شراب و دو تا پیاله عسل
بیا بنوش به یاد فرشته مرحوم
هدا قریشی شهری ۱۳۶۰
و روی سنگ نوشته: دلیل نامعلوم
(قریشی و زنده‌دل، ۱۳۸۴: ۷۹)

در برخی موارد نشان‌دهنده گستاخی و بی‌پروایی و جسارت گوینده است، «اگر گوینده بخواهد به مخاطب خود نشان دهد که او راه دیگری جز اجرای امر و فرمان او ندارد و امر او قابل چشم‌پوشی نیست، از وجه اخباری [برای امر] استفاده می‌کند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۴۱). در غیر این صورت از امر مستقیم بهره می‌گیرد:

رستم بخواب و مرده‌شویی را رها کن
این مرده‌ها مه‌ری به بازویشان ندارند
علیرضا آذر (حسینی، ۱۳۹۴: ۲۹)

یکی از کارکردهای وجه امری در غزل پست مدرن مشارکت خواننده در متن است. در این حالت، کلام از تک‌محوری خارج، و شاعر با مخاطب وارد گفت‌وگو می‌شود. این شیوه بیان دلیلی برای استفاده‌های مکرر از امر حاضر در گفتمان غزل پست مدرن است. از این منظر شاید بتوان آن را با آرای پدیدارشناسان که در فرایند تعیین معنا بر نقش محوری خواننده تأکید می‌کنند (سلدن و ویدوسون، ۱۳۹۲: ۷۲) هماهنگ دانست. در این وجه از فعل خواننده از موجودی منفعل به بخشی از فرایند ارتباطی تبدیل می‌شود و درگیر تفسیر گزاره یا پاره‌گفتار می‌گردد:

نامرد را به باد بده، عشق را بمیر
بگذار تا ملامتیون بیشتر شوند
نامرد باش مرد! که این نارفیک‌ها
کبریت‌های سوخته بی‌خطر شوند
دل را نیند ریشه نازک به سروها
در وقت امتحان همه تیغ و تبر شوند
چاقوی غیرت تو به دردی نمی‌خورد
بگذار تا که روسببیا معتبر شوند
(نجفی، ۱۳۹۳: ۳۸)

شاعر دغدغه‌های ذهنی خود را با فعل‌هایی در وجه امری با مخاطب در میان می‌گذارد، خواننده خطاب قرار می‌گیرد و بدین ترتیب درگیر فرایند تعامل با شاعر می‌شود:

ای دختری که آمده‌ای از ستاره‌ها، با دختران شهر، درباره غریبی من گفت‌وگو مکن
وقتی که مست می‌گذری از پیاده‌رو، در چشم خیس من، نوک بلند چتر خودت را فرومکن...
گفتم: هزار آرزوی کوچک مرا، بر باد داده‌ای، گفتم سوار باد از این سرزمین برو!
گفتم که آرزوی بزرگم فقط تویی، پس یا مرا بکش، یا مرگ آرزوی مرا آرزو مکن
(میرزایی، ۱۳۹۴: ۱۶)

شاعر در ابیات زیر مخاطب را مستقیماً در فرایند معناسازی وارد، و بدون هیچ ارجاع و توضیح قبلی وی را با امرهای مستقیم خطاب می‌کند:

تویی که مثل برمودا دلم را جذب خود کردی
 به عشق دختران چشم‌رنگی هم حسادت کن
 بیا و مرد باش و کمتر از آنی که می‌بینم
 مرا با گرگ‌های هرزه‌گرد بیشه قسمت کن
 دلم یخ بسته، اسکیموی شرقی با دم گرم
 کمی از این دل یخ‌بسته قطبی حمایت کن
 (صباغ نو، ۱۳۹۴: ۳۷)

شاعر پست‌مدرن برای تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب، تأکید بر درخواست و فرمان از ساخت متعارف فعل امر و بیشتر از صیغه‌های امر حاضر استفاده کرده‌است و شکل‌های دیگر امر که غالباً به صورت وجه‌های اخباری و التزامی و در معنای امرند، کمتر به کار رفته‌است. این شیوه استفاده از فعل امر تأکید شاعر در خطاب مستقیم را نشان می‌دهد. در نمونه‌های شعری بالا این تأثیرگذاری خطاب مستقیم دیده می‌شود. همین گونه است در ابیات زیر (از الهام میزبان)، امرهای مستقیم و جایگاه بیان آنها که بیشتر در ابتدای جمله و مکرر به کار رفته‌اند، علاوه بر تأکید بر امر در جلب توجه مخاطب نیز بی‌تأثیر نمانده‌است:

و مال من بشو، برهم بزن تعادل را
 بریز توی سرم قطره قطره الکل را ...
 من و تو ... من ... و تو ... این انتظار بی‌معنی است
 تلاش کن که به هم ... منفجر کن این «پل» را!
 (حسینی، ۱۳۹۴: ۳۲۵)

۵- نتیجه‌گیری

بررسی ما نشان می‌دهد در غزل پست‌مدرن، از افعال در وجه اخباری، بیشتر در بیان حقیقت‌هایی ذهنی که گوینده عمیقاً به وجود آنان اعتقاد دارد و بخش عمده‌ای از دغدغه‌های ذهنی اوست، استفاده شده‌است. اگرچه در بیان ادبی کمتر از واژه‌ها و در اینجا به طور ویژه از افعال هسته‌ای استفاده می‌شود، گاه در القای دیدگاه‌ها و اصرار بر صحت آنها، غالباً از وجه هسته‌ای (اخباری) استفاده می‌شود. شاعر با گزینش وجه اخباری و در بیشتر موارد فعل‌های اسنادی، سعی در عینیت بخشیدن انگاره‌های ذهنی خود دارد. هرچند وجه فعل ناظر به

معناست و نمود فعل به زمان وقوع فعل مربوط می‌شود اما در گفتمان غزل پست‌مدرن این جنبه از ویژگی‌های فعلی نیز دور از نظر نمانده‌است.

در وجه اخباری برای استحکام و اتقان مطالب مطرح شده سعی بر آن بوده‌است تا ضمن استفاده از وجه اخباری، این وجه در زمان‌های حال و گذشته استفاده شود. این پرهیز از پرداختن به آینده در هماهنگی با اهداف گفتمانی غزل پست‌مدرن یعنی پوچی و هیچ‌انگاری است. در بیان موارد غیرقطعی و همراه با تردید و بیان حسرت و چشم‌داشت از وجه غیرهسته‌ای التزامی استفاده شده که چالشگری در زمان افعال در این وجه نیز به خصیصه‌ای گفتمانی بدل گردیده‌است. در این موارد پرهیز از پوشیده‌گویی و هنجارگریزی‌های زبانی از بسامد معناداری برخوردار است. در وجه امری نیز شاعر با خطاب‌های مستقیم به مخاطب، ضمن درگیر کردن مخاطب در فرایند ایجاد معنا، خود نیز از حالت انفعال و گریز موجود در وجه اخباری و التزامی برکنار مانده و در این بخش‌ها به پویایی و کنش‌مندی گزاره‌ها افزوده شده‌است. در بحث وجهیت نیز می‌توان گفت که بیشتر معانی وجهی افعال در غزل پست‌مدرن ناظر بر وجهیت برداشتی و درخواستی است و کمتر شاهد افعالی در وجهیت توانمندی بوده‌ایم و این نکته در بردارنده اهداف گفتمانی حول محور معنایی استیصال، آزدگی و از خود بیگانگی، پوچی و یأس در گفتمان غزل پست‌مدرن است.

منابع

- ارژنگ، غ. ۱۳۷۴. *دستور زبان فارسی امروز*، تهران: قطره.
- آقاگل‌زاده، ف. ۱۳۸۵. *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ ۱۳۹۱. «بررسی وجه فعل در زبان فارسی بر پایه نظریه فضاهای ذهنی». *ادب پژوهی*، (۲۰): ۱۳۵-۱۵۴.
- آقاگل‌زاده، ف. و خیرآبادی، م. ۱۳۹۲. «واقع نشدن فعل در عنوان‌های خبری روزنامه‌های فارسی زبان از منظر تحلیل گفتمان انتقادی». *زبان پژوهی*، (۹): ۲۰-۱.
- اکبری، م. و ولی‌پور، م. ۱۳۹۵. «نقد و تحلیل انواع وجه فعلی در زبان فارسی». *ادب فارسی*، (۱۷): ۱-۱۵.
- ایلخانی‌پور، ن. ۱۳۹۴. *صفات وجهی در زبان فارسی*، تهران: مرکز.
- باطنی، م. ۱۳۷۳. *زبان و تفکر*، تهران: فرهنگ معاصر.
- پالمر، ف. ر. ۱۳۹۱. *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه ک صفوی، تهران: کتاب ماد.
- تاجیک، م. ۱۳۷۹. *گفتمان و تحلیل گفتمانی*، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.

- جوادی، ا. ۱۳۹۳. «تحلیل کارکرد واژگان غزل پست‌مدرن دهه هشتاد»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون*.
- حسینی، ا. ۱۳۹۳. *غزل روزگار ما ۱* (گزیده غزل‌های دهه هشتاد)، تهران: نیماژ.
- _____ ۱۳۹۴. *غزل روزگار ما ۲* (گزیده غزل‌های دهه هشتاد)، تهران: نیماژ.
- خانلری ناتل، پ. ۱۳۵۲. *دستور زبان فارسی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران*.
- خانلری ناتل، پ. ۱۳۹۵. *تاریخ زبان فارسی، تهران: نشر نو*.
- خراسانی، م. ۱۳۹۲. «سبک‌شناسی غزل پست‌مدرن». *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*. (۱۴): ۱۵۰-۱۲۹.
- خیامپور، ع. ۱۳۷۵. *دستور زبان فارسی، تهران: کتابفروشی تهران*.
- داوری، ش. و نغزگوی کهن، م. ۱۳۹۶. *افعال معین در زبان فارسی، تهران: نشر نویسه پارسی*
- درپر، م. ۱۳۹۲. *سبک‌شناسی انتقادی* (سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی)، تهران: علم.
- رحیمیان، ج. ۱۳۷۸. «وجه فعل در فارسی امروز». *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. (۲): ۵۲-۴۱.
- رشیدیان، ع. ۱۳۹۳. *فرهنگ پست‌مدرن، تهران: نشر نی*.
- رضایی، و. ۱۳۹۱. «بررسی نحوی و معنایی فعل‌های ایستا در زبان فارسی». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، (۷): ۲۳-۳۸.
- سلدن، ر و ویدوسون، پ. ۱۳۹۲. *راهنمای نظریه ادبی معاصر، تهران: طرح نو*
- شادخواست، م. ۱۳۸۴. *در خلوت روشن، تهران: عطایی*.
- شمیسا، س. ۱۳۹۶. *مکتب‌های ادبی، تهران: قطره*.
- صحرائی، ر. ۱۳۸۷. *گریه روی شانه تخم مرغ* (آثار برگزیده جشنواره غزل پست‌مدرن)، تهران: کتابناک.
- طیب‌زاده، ا. ۱۳۸۵. *ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز، تهران: مرکز*.
- عامری، ز. ۱۳۹۱. «بررسی شعر پست‌مدرن در دهه‌های هفتاد و هشتاد: مؤلفه‌ها و نمایندگان» *پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان*.
- عضدانلو، ح. ۱۳۸۰. *گفتمان و جامعه، تهران: نشرنی*.
- عموزاده، م. و شاه‌ناصری، ش. ۱۳۹۰. «بررسی پیامدهای ترجمه از انگلیسی بر مقوله وجهیت در فارسی». *پژوهش‌های زبانی*. (۱): ۲۱-۵۰.
- عموزاده مهدیرچی، م. و رضایی، ح. ۱۳۸۹. «ابعاد معناشناختی 'باید' در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبانی*. (۱): ۷۸-۵۷.
- فرشیدورد، خ. ۱۳۴۸. *دستور امروز، تهران: صفیعلی‌شاه*

- _____ ۱۳۵۰. «وجه فعل در فارسی معاصر». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، (۷): ۲۱۸-۲۴۴.
- _____ ۱۳۸۳. فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی، تهران: سروش.
- _____ ۱۳۸۴. دستور مفصل امروز، تهران: سخن.
- قربانی، ه. زنده‌دل، م. ۱۳۸۴. باران صدای موجی زن جیب رادیو، مشهد: سخن گستر.
- لازار، ژ. ۱۳۸۴. دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه م بحرینی، تهران: هرمس.
- ماهوتیان، ش. ۱۳۸۲. دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ترجمه م سمائی، تهران: مرکز.
- مشکوه‌الدینی، م. ۱۳۶۶. دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- مشکور، م. ۱۳۶۶. دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی، تهران: شرق.
- مظاهری، ج؛ هاشمی، م. و متولی، م. ۱۳۸۳. «بررسی و تحلیل وجه التزامی در دستور زبان فارسی». دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، (۳۸): ۹۵-۱۰۸.
- موسوی، م. ۱۳۸۷. پرنده کوچولو نه پرنده بود نه کوچولو، مشهد: سخن گستر.
- _____ ۱۳۹۴. با موش‌ها، تهران: نیماژ.
- _____ ۱۳۹۴. انقراض پلنگ ایرانی با افزایش بی‌رویه تعداد گوسفندان، تهران: نیماژ.
- _____ ۱۳۹۴. غرق شدن در آکواریوم، تهران: نیماژ.
- میرزایی، م. ۱۳۹۳. الواح صلح، تهران: نیماژ.
- _____ ۱۳۹۴. یک زن کامل، تهران: نیماژ.
- نوذری، ح. ۱۳۹۲. بست‌مدرنیته و بست‌مدرنیسم، تهران: نقش جهان.
- وفایی، ع. ۱۳۹۲. دستور توصیفی براساس واحدهای زبانی، تهران: سخن.
- همایونفر، م. ۱۳۹۲. «وجه و تأثیر آن بر نظام فعل در زبان فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- هالیدی، م. و حسن، ر. ۱۳۹۳. زبان، بافت، متن، ترجمه م نوبخت، تهران: سیاه‌رود.
- یارمحمدی، ل. ۱۳۷۷-۱۳۷۸. «مناسبت زبان، فکر، رفتار جمعی و اصطلاح‌شناسی». ادب و زبان (دانشگاه شهید باهنر کرمان)، (۹ و ۱۰): ۹۴-۱۱۰.
- _____ ۱۳۸۰. «واژگان هسته‌ای و غیرهسته‌ای در واژگان‌شناسی مقابله‌ای، تجزیه و تحلیل گفتمانی انتقادی و ترجمه ادبی». نامه فرهنگستان علوم، (۱۷): ۱۹۷-۲۰۶.
- _____ ۱۳۹۳. درآمدی به گفتمان‌شناسی، تهران: هرمس.

Fowler. R. 1986. *Linguistic Criticism*. Oxford: Oxford University Press.